



سازمان اسناد و کتابخانه ملی



مرکز اسناد و کتابخانه ملی

از سفیقه ساعده
دولت معنوی در
بازشناسی حقوقدار
الگوهای حسنه
نهضت عاشورا و پژوهش
امام سجاد(ع) فرهنگ
بازشناسی نقش و
بررسی میانی
القلاب اسلامی از
جزیانشناسی به
و الکوگیری از آزاد

کمیته علمی:

حجت الاسلام دکتر آرزوی، دکتر صادق آینهوند، دکتر رضا اکبری، حجت الاسلام دکتر محسن الوبری،
دکتر احمد بادکوبه، دکتر احمد پاتچی، حجت الاسلام محمد رضا مطهری، دکتر سید علی واسی

همکار کمیته علمی:

احسان پایابی، دکتر عباس مصلایی پور، سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی، دکتر حسین هوشانگی،
دکتر کامران ابروزی مبارک

مدیر اجرایی کمیته علمی: اسماعیل آجرلو

طرافقی سایت اینترنتی: صادق کربیان

دیر استار ادبی: محمد حسن عبدالی

همکار ویراستاری: مهرداد کرمپور

صفحه آرایی و طراحی جلد: رسول خسروی یگی

مراکز علمی و دانشگاهی مرتبط: دانشگاه امام صادق (ع)، دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی،
دانشگاه فردوس مشهد، دانشگاه الزهرا، پژوهشکده علوم انسانی، پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع)

الصادق(ع) الطیعة

سی. تصحیح محمد

ارالكتب الاسلامیة،

پ. شانزدهم

بار الائمه الاطهار.

چکیده

قیام عاشورای امام حسین(ع) یک پدیده فرهنگی - اجتماعی است که از سال
شصت و یک هجری تا کنون زنده و پویا باقی مانده است. این پدیده فرهنگی در هر
دوره ای از تاریخ تطورش، به اتحاد مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

هر پدیده فرهنگی برای بقا و پویایی، نیازمند فرد یا افرادی است که ایده
اصلی آن را حفظ، توجیه و از نسلی به نسلی دیگر منتقل نمایند. تازمانی که این
افراد کارشان را به درستی انجام دهند و آن پدیده فرهنگی نیز بر طرف کننده بخشی
از نیازهای جامعه باشد (فرهنگ سازی)، آن فرهنگ مانا و پویاست؛ در غیر این
صورت، به تاریخ خواهد پیوست و صرفاً به عنوان یک رویداد که در برده ای از
تاریخ به وقوع پیوسته است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

خدلوند برای پسرت است و حضرت رسول (ص) او ائمه اطهار (ع) به عنوان مجریان
و هادیان و نسبگان این دین از طرف خداوند بروگردیده اند. بالطبع انتظار می روید
که آنان به صورت یک مجموعه هماهنگ عمل کنند و صرفاً متناسب با تغییر های
مکانی و زمانی، جلوه ها و نمودهای ویژه ای از خود بروز دهدند.

قیام عالیسوارانیز به عنوان جلوه ای ویژه از عملکرد ائمه معمصومان، اقلالی
علیه وضع موجود بود که با توجه به اوضاع نایاب سامان آن عصر، حرکت و نهضتی
عملکرد از آن قیام معانی نداشت؛ حرکت بی بدلی که به عنوان یک الکترومنیک

این نوشتار به نوعی بررسی جامعه شناختی تاریخی پدیده فرهنگی عاشور است. این تعاریف از فرهنگ و فرهنگ عاشورا را از لایه شد و نشان داده شد که فرهنگ عاشورا با محوریت ایده عزت، جزء اسلامی کلیت منسجم فرهنگ اسلامی است و تا امروز متناسب با زیارتی ایت اسلامی بوده است. سپس به نقش خواص اشاره شده است که در اوضاع مختلف زمانی و مکانی، آن ایده اصلی را مناسب بانیارهای مردم انتخاب باز تعریف، تغییر و توجیه کردند. از آنجا که این مشهوریت مهم در تفکر شیعی بر عهدۀ العبدۀ معصومان (ع) است، استخراج باز تعریف، تغییر و توجیه کردند.

در می تاریخ اسلام، مناسب با اوضاع و زره هر عصر، برداشت‌های متفاوت و گاه متفاوتی از این قیام صورت گرفته است. در اکثر این برداشت‌ها بعد عاطفی قیام بر سایر ابعاد غلبه داشته است. عدم توزان در بررسی ابعد قیام انتقام عاشورا و توجه افرادی صرف به بعد عاطفی آن قیام عاشورا را از حالت پک فرموند و مدل فعل سپس خارج کرد. به نحوی که با ساختن یک مظلومیت تاریخی برای امام حسین (ع)، واقعیت این حادثه مهم از «جرایی قیام» به «چگونگی قیام» تبدیل شده است.

هدف ما در این نوشتار تحلیل چراجی این قیام نیست، بلکه برآئیم تا این قیام را به عنوان حرکی مستمر در برناهه رهبری دینی ائمه معصومان برشماریم. نه یک استثنای تاریخی، و با توجه به اینکه نهضت اسلامی که با وحی الهی و بدست حضرت رسول مطراوس شده است، و تاکنون نیز ادامه دارد، به معنی واقعی کلمه یک حکت منظرو انساطلی است؛ به نحوی که سُت هر امامی در جهت ادامه، تبیین و

هدف ما در این نوشتار تحلیل چرایی این قیام نیست، بلکه برآیم تا این قیام را به عنوان حرکتی مستمر در برخانمۀ رهبری دینی ائمه معمصومان بر شماریم نه یک استثنای تاریخی. و با توجه به اینکه تأثیرت اسلامی که با وحی الهی و به دست حضرت رسول طراحی شده است، و تاکنون نیز ادامه دارد به معنی واقعی کلمه یک حرکت منظم و انساطی است؛ به نحوی که سُت هر امامی در جهت ادامه، تبیین و گشترش حرکت امام قبلی است، از این رو شایسته است امام سجاد(ع) را تبیین کنندۀ و فرمودن ساز عالی‌سازی بدانیم که بآمری و پوشش پادشاهی و پهلوی است.

فرهنگ عاشورایی
تعاریف مفتوانی از فرهنگ اراله شدله است به نحوی که هر علمی متاسب
با موضوع و روش خاص خود، تعریفی از آن اراله کرده است (اشروری، ۱۳۸۰).

مقدمه
اسلام دینی الهی و حجتی است که با حضور پیامبر (ص) در عربستان جاهلی بری اصلاح دین ابراهیمی آغاز شد. این دین حاوی اخیرین و کامل ترین دستورهای

ایله عزت اسلامی، آن را بطرف کننده و اصلاح کننده مشکلات و معضلات جامعه

اسلامی معرفی کردند.

صفحه ۴۶ فرمونگ مجموعه دستاوردهای پیشوای سرچشمه می‌گیرد و شامل ویژگی‌های مادی و غیرمادی است که برای برآورده کردن نیازهای اساسی پیشری سازمان یافته اند و نهادهای اجتماعی را، که هسته اصلی فرهنگ اسلامی ارائه می‌دهند، نهادهای یک فرهنگ با بستگی درونی خویش (کلوب) پایه دیده اند که برای هر جامعه یکتاپس است (همان، ۶۰). به عبارت دیگر فرمونگ، که اینه ها نظره اصلی آن‌اند (همان، ۶۹) پر کننده خلاه میان خواستها و امکان‌های است (اسلامی تدوین، ۱۳۵۴، ص ۷۶).

عزت حالتی است که انسان را مستحبم و شکست ناپذیر می‌سازد و نبی کناره او در پیچ و خم زندگی، مفهور عوامل درونی و بیرونی شود و شکست پنهان را به همین دلیل، به زمین سفت و سختی که تقدیم‌نایاب (وجود) می‌گویند، و نزدیک کسی که برصلاحت چیزی که وجودش کمیاب باشد (عزیز بوجود) می‌گویند.

از این رو براحتی تعریف هر پدیده فرهنگی نیازمند تعیین عضمر نیاز و اینه پاسخ دهنده به آن نیازم، همچنین باید به ضلع سوم آن یعنی گروههای پایدار انسانی نزد تووجه کرد. گروههایی که از طریق پیمانه‌ها، آداب و رسوم و بهره مندی - چیزی که زان زاک رو سو آن را افراد اجتماعی «می نامند» - انسجام می‌باشد (مالینوفسکی، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

آمده است. مانند: ابل (الذین کفروا فی عزه و شفقة) (اص ۲/۲) بلکه آنها که کافر شدند (اللّٰهُ اَعْزُزُ شَمَاءَ بَرَأَ وَ سَخَّنَ وَ كَرَأَ) است. و هم به معنای «اصحیوت و سختی» به کار رفته است. مانند «اعزیز علیه ماعتمن» (اللّٰهُ اَعْزُزُ شَمَاءَ بَرَأَ وَ سَخَّنَ وَ كَرَأَ) رنج شما بر او سخت و گران است. و به معنای «غیرت و حمیت» (لیز

او ضاع سیاسی - اجتماعی عصر امام سجاد(ع)، حاکی از بحرانی بودن جامعه از

نظر سیاسی، اجتماعی و مخصوصاً احتمادی است. به نحوی که هیچ گونه انسجامی در جامعه وجود نداشت، جامعه اسلامی به واسطه سیاست‌های استبدادی و غیر

العرنی فی الخطاب، (اص ۱۳۱) یعنی در سخن گفتن بر من غله کرد. اسلامی بُنی ایهه یک سیر فقه‌ای راطی کرده و به جاهلیت بازگشته بود و نیاز مند ایله ای بود که بتوان دویاره در آراء و اندیشه های خود تجدید نظر کند و به محور توحید برسد.

قیام امام حسین(ع) که با شعار عزت اسلامی به هدف اصلاح دین پیامبر(ص)

به وجود آمده بود، در واقع طراحی همان ایده نو متناسب با نیازهای جامعه اسلامی ساخت مورد سرزنش قرار داده است.

سر انصصار عزت حقیقی در خداوند آن است که عزت از فروعات ملک است؛ و ملک حقیقی تهراز آن خداوند است. لما عزت و ذات را او عطا می‌کند؛ بدست گرفتن حکومت و نظایر آن را ذکر کرده است. اگر به وقت معنی عزت و کارهای آن در قرآن و روایات مورد توجه قرار گیرد، می‌شکی شاه است و کلید و راهه ... تغیر من تشاه و تدل من تشاء (آل عمران ۲۶/۲۶).

عزت به عنوان یک خصلت متمالی نفسانی و به معنای نفوذناپذیر بودن، صفات

قیام امام حسین(ع)، عزت اسلامی خواهد بود، به عبارت دیگر آن حضرت بازانه

نفس، شکستن‌پذیری، مفهور عوامل بیرونی شدن، کرامت و ولایت روح انسانی مکی که به عنوان مظہر عزت و کرامت انسان‌ها را به عزت حقیقت که عیان ذات در برابری و سازش ناپذیری در برابر غیر روبه رو، رعنون ساخت.

در مقابل و لازمه ذات قرار دارد که به معنای تین به بستی و دادن سمع پذیری، زیر و گنجیده‌هادر حوزه دین، اخلاق و سیاست و نظریه اینهاست، که در دهم محروم سال شصت و پیک هجری با محوریت عزت اسلامی به دست امام حسین(ع) با هدف اصلاح جامعه اسلامی مطرح شد و این ایله را گروهی متخصص سماویانه و نهادینه کردند که در رأس آن گروه امام سجاد(ع) قرار داشت.

نقش خواص در فرهنگ سازی

مهم ترین نشانه فرهنگ، پدیده‌گردهای پیدار انسانی است. یک اندیشه نویس یک کشف دینی یا یک جنبش هنری تازمانی که با مجموعه‌ای از فعالیتهای مشترک سازمان یافته بیرونیه خود را از جنبه فرهنگی فاقد ارزش است (مالینوفسکی، ۱۳۸۵).

سازمان یافته بیرونیه خود را از جنبه فرهنگی جهان اسلام از این کروه به عنوان خواص پادمن ص(۱۴) در مباحثت فرهنگی جهان اسلام از این کروه به عنوان خواص پادمن کنند. خواص یا به تعییر دکتر صدری روشنگران، کسانی اند که در قبیل پاسداشت و انتقام و انتقال فرهنگ به ذغال منفعات اقتصادی نیستند. آنان به متابه سازگان قدر او انسان پرستاره و فرهنگگان، موجودان، عاملان و حاملان فرهنگ و تمدن من می‌خواهند، نخواهند پذیرفت (ذلت و خواری را) تا اینکه خدا آنچه به خود

خویش، پیدار نمایم.

در مکتب حسین بن علی(ع)، اساس تربیت انسان‌ها «عزت مداری» و زندگی هماره عزت و شرافت انسانی است. انسانی که در این مکتب پرورش می‌یابد، فلذه خود، چارچوب‌های اخلاقی، فلسفی، عرفانی و مذهبی برای رفاقت قشرها و مطبقات مختلف می‌سازد (صدری، ۱۳۸۰، ص ۴۵) که اغلب با استخراج و تعلیط منابع (الصادری، ۱۳۸۰، ص ۴۵) می‌تواند این اینجاست که با توجه به تنوع فرق و با توجه به تعریف فوق، یا پیر(ص) و ائمه معمصومان در زمرة خواص فرهنگی اسلامی و فرهنگ عاشورائی اند. سؤال اصلی اینجاست که با توجه به تنوع فرق و مسیحیان و هرگز حاضر نمی‌شود حیات با ذات و خسواری را بر مرگ با عزت و شرافت ترجیح دهد. او «قتيل العزّة» نامیده شد تا سازش ناپذیری و روح عزتمندی را به پیروانش مستقبل سازد. اوبه انسان‌ها آموخت که تبعیت عزت در تربیت، تنشی اسلامی گناهی آلوهه می‌گردد. ذات نخس مثناًه همه بدی‌ها و فسادها است؛ لذا بهترین راه برای اصلاح فرد و اجتماع، انتقال روح عزت مندی به آنان است. روح عزت است که انسان‌ها را در برابر خداوند خاص و فروتن می‌سازد و در برابر غیر خدا تسلیم ناپذیر

در پاسخ به چنین سوال‌هایی نقش العده معصوم(ع) نمایان می‌شود. آنان در

وسیله‌ی نماید. حسین بن علی(ع) با قیام و نهضتی که در تاریخ برایان نمود و با

نشکل و نظر هست عقلانی فرهنگ اسلامی نقش اساسی و سازنده داشته اند و در بر مه های از تاریخ به تلقی و تکمیک و تامل و تفسیر هسته و جلای عقلانی و اجنبی این دوره است. این دوره پنهان در آشوبها و رویدادهای سهیگین فور رفته فرمگ اسلامی پوادنیه اند و از طرف مختلف آن را از نسلی به نسلی دیگر متغیر کرده اند و در هر دوره ای از تاریخ این تأثیر را به خوبی داشتند.

با شهادت امام حسین (ع) شیعه وارد مرحله ای جدیله شد؛ مرحبله ای که با وجود قوام و دولم امامت ایشان مصادف با خلافت عبدالله بن زیب در مکه و سلسله امویان چهار ساله امامت ایشان مصادف با خلافت عبدالله بن زیب در مکه و سلسله امویان در دشمنی بود. آن حضرت با خلفای اموی دمشق از جمله بزید بن معاویه (۶۴-۶۵)، بزید معاویه بن بزید (۶۴)، مروان بن حکم (۶۴-۶۵)، عبدالملک بن مروان (۶۴-۶۵)، ولید بن عبدالملک (۶۴-۶۶) هم عصر بود.

آنچنان فعالیت‌های امام سجاد (ع) مصادف با درناکی ترین واقعه تاریخ اسلام یعنی واقعه عاشورا بود (مسعودی، ۱۳۹، ۲۶۴، ص ۱۱۳۹)، بزید بن معاویه به عنوان شخصیتی خنثی، پس از واقعه عاشورا با سرکوبی دیگر مخالفان چریاتی به راه اندادن نائل دارد اول اینکه پیکر نهاده تسبیح بلوون جذب شدن در ترکب منصب حاکم (نسن) هوت خود را حفظ کرد و دیگر اینکه پیکر نهاده توانت ویژگی های خود را دیگر شانه های افراطی و انحرافی شیوه (زیدیه، کیانیه و...) مشخص و ممتاز نماید.

در ادامه، برای نشان دادن گفایت و اهمیت نلاش های امام سجاد (ع) در حفظ و احیای فرهنگ اسلامی و عالیورانی، او اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی پس از واقعه عاشورا را بررسی خواهیم کرد.

همان سال به شدت به دست بزید سرکوب شد و سپاهیان بزید به دستور دیگر روز چنان شهر پیغمبر (ص) را غارت کردند(ر). که سیوطی، ۱۱، ص ۷۸، طبری، تاریخ ه، ص ۴۸، سهلی، ج ۶، مص ۴-۳ (۲۰۳-۲۰۵) که ازان آن بعد مدینه طلبیه امدنه نت (متغیر) می خواستند(سعودی، ۱۳۷، ج ۳، ص ۷۷) و معمودی (لتیبه)، ۱۳۷۹، ص ۲۶۴) آن را لجه نزین حادثه پس از شهادت امام حسین (ع) بر شمرده است.

بس از سرکوبی مردم مدینه، سپاه بزید برای سرکوبی شورش عبدالله بن زیب رهبران جوامع اسلامی، بالخلاف و اکنونه های مشابه از سوی خداوند بزرگیه شده اند آنچه شیوه عملکرد آنان را نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی از یکدیگر نیز شد، با رسیدن خبر مرگ بزید به ناچار سپاه به دشمنی برگشت.

خلافت عثمان و سپس در دوران خلافت خود به اوج رسانده بود تا جایی که در منابر و ابته به حکومتش، آشکارا به امام علی (ع) توهین می کردند (این این الحدید، ۱۳۷۸، ص ۲۲۰). اگرچه خلافت مروان دیری نپایید، بدعتی که او بنیاد نهاده بود باشد در زمان خلفای بعدی ادامه یافت.

عبدالملک بن مروان (۶۹-۷۶۴ق) ادر آغاز خلافتش اسلام کرد که چون عثمان خلیفه زیون و تحقیر شده، چون معاویه آساگیر و چون بزرگ بی خرد نیست و بر عکس خلفای گلشنده نه بالا و ثروت بالکه با مشترک همه رامطیح خواهد گرد (اسسوطی، ۱۴۱۱، ص ۲۱۸). وی با تکیه بر سرداری چون حجاج بن یوسف تقی (اف ۱۴۶ق) به عاصمی خود جانه عمل پوشاند. حجاج به حدی سختگیر و خونزیر بود که فقط ادعاهای خود را کشت (این حجر، ۵، ۱۴۱ج، ۳، ۱۳۱) و در آنجا در عراق صد و پیست هزار نفر را کشت (این حجر، ۵، ۱۴۱ج، ۳، ۱۳۱) و در آنجا زنانهای مختلفی ساخته بود که حدود پنجاه هزار مرد و سی هزار زن که نیزی از ایلان مجرد و برهنه بودند، به دسپور حجاج زنانی بودند (همان؛ مسعودی، ۱۳۶۴).

آقصص ۱۷۵-۹، سختگیری بر اهل بیت (ع) کار را به جای رسانده بود که مکرر عدل الملک را برتر از پیامبر (ص) معروف می کرد و مومن را به طرف گرد خانه وی فرامی خواند (این این الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ۱۳۶۲، ص ۲۶۲). وی در آزار شیعیان کار را به جایی رساند که به گفته امام باقر (ع)، شیعین نام زندیق برای او بیش از شیعین نام شیعه علی (ع) بود. حجاج برای محدود کردن شیعیان بر دست و گردشان علامت گذاشته بود (اسسوطی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۰) و حتی به رغم خواست عبدالملک، اصرار بر قتل امام سجاد (ع) داشت (ارسلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۱۳۱).

در ایام خلافت ولید بن عبد الملک (۶۹-۸۶ق) که سرکشی خدا نشناش و شمسکری بیدادگر بود (مسعودی، ۱۳۶۷)، زیمن از ظلم و جور بر شله در چنین فضی امام (ع) ضمی فتنه خواندن حرکت‌های این زییر که به همانه یافت بود (اسسوطی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۳) و انحراف‌های اخلاقی با محوریت خلیفه بد جایی رسیده بود که از مجبوب ترین کارهای او در زند مودم بخشن به او لاه خوانان بود (الولراج اصفهانی، ۱۹۶۰، ج ۵، ۱۱۱، ص ۱۱۱) و لید، کنید تو زیرین خلافت است بدهد وض موجود داشت، علاقه ای به خلافت نشان نداد (اسسوطی، ۱۴۱۱، ص ۲۱)، از این رو خلافت به مروان بن حکم (۶۹-۷۵ق) رسید. مروان کسی بود که از زمان پیت (ع) و شیعیانشان، در نهایت در سال ۹۵ هجری امام (ع) را باز هر به شهادت رساند (اطبری، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰) شوستری، ۱۳۶۶، ج ۱۱۱، ص ۱۰۰؛ اصفهانی، ۱۳۶۶،

در چنین اوضاعی کاربه آنجا رسید که به تغیر امام صادق (ع) جزء نظر هابغی مردم متولد شده بودند (کشی، ۱۴۰۴، ص ۱۱۳). اگرچه امام سجاد (ع) با درایتی که داشت، وارد دعواهای قدرت نشده بود؛ اختلاف‌های زیادی بین شیعیان به وجود آمد تا جایی که شیعیان شش فرقه شدند (نویختی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۰ و ۲۱۵)، از مهم‌ترین این فرقه ها در آن برهه زمانی می توان به گیشه ایه اشاره کرد بعد از واقعه عاشورا، مختار به شاطر تقدیم امام سجاد (ع)، امامت را از اعقاب پیامبر (ص) از نسل ناطمه (ع) به فرزند دیگر امام علی (ع)، محمد بن حنفه، منتقل کرد و به این ترتیب اولین احراف را در مرکوت تشیع به وجود آورد (جعفری، ۱۳۶۷، ص ۲۷۷)، این احراف به حدی بندی بود که اکثر شیعیان به جای امام سجاد (ع) از امامت محمد بن حنفی پیروی کردند و حتی مختار تو انتسبت بقبایی تویین را که امام سجاد (ع) را اسلام خود معرفی کرده بودند، به سروی محمد بن حنفی جلد کند (جعفری ۱۳۶۷، ص ۲۸۰).

پس از مرگ بزید در سال ۶۴ هجری، خلافت در جهان اسلام دو شاخه شد عبدالله بن زیر که از چند سال پیش مدعی خلافت شده بود، با استفاده از اختلاف نظری که در دشمنی بر سر جانشینی بزید شده بود، کارش بلا کرفت و با تسليط بر شهرهای مکه و مدینه در حجاز به خلافت نشست و به رقابت با دشمن پرداخت. عبدالله بن زیر در سختگیری بر رقیان و مخالفان از چیزی فروکار نبود او شیعیانی را که از ییعت با او امتناع کرده بودند در دروازه پر از هیزم جمع و آنها را تهدید به سورازند کرد (مسعودی، ۱۳۶۷، ج ۳، ۱۳۱)، وی حتی چهل روز در خطبه هایش سلام و صلوات پیامبر (ص) را حذف کرد (مسعودی، ۱۳۶۷، ج ۳، ۱۳۶۷)، از چهل روز در خطبه در چنین فضی امام (ع) ضمی فتنه خواندن حرکت‌های این زییر که به همانه یافت انجام می شد، عملاً سکوت اخبار که بودند (ارسلی، ۱۴۱۱، ج ۳، ۱۳۶۷)، از ۲۵۸ ص ۲۱۱) درین امویان دشمن، معاویه بن بزید (اعرف)، با توجه به شناخت درستی که از

عنوان به دست دادن یک زیان مشترک، لازمه هر حریت علمی و فرهنگی است. امام سجاد(ع) نیز برای زیبیه سازی نهضت فرمگی جهان اسلام و پیاپیش مکتب حمدوی اصول اسلام را بر اساس امامت و حول محور توجیه باز تعریف دستین گردند.

کلرت شاگردان صادقین(ع) منحصراً شمار مگانی «الرضا من آل محمد(ص)» که تقطله مشترک تمامی گروههای مختلف ضد اسلامی بین استاده گشته. خلطای اموی دعشق خود را مصادف اهل بیت(ع) معرفی می کردند. بود سمعی می گردند از عنوان اهل بیت(ع) برای تحکیم مبانی خلافت خود سیر را مصادف اهل بیت پیامبر(ص) از جمله عابشه در مکه، برای تحریک خلافت این زیارت پیامبر(ص) معرفی می کرد. از آنجاه که هیچ کدام از همان را پیامبر(ص) افزونی ندانستند، اهل بیت بودنشان مستقی بود.

بنی ابیه بود.

امام سجاد(ع) پس از برآیدگی و تهدید جذنی شیعیان بعد از قیام عاشورا، ایذا سعی کرد او ضایع را به صورتی مدیریت کند که ضمن حفظ جان و حرمت اهل بیت(ع) جایگاه و تقش تخریب شده انان را به عنوان غارت پیامبر(ص) و خواص رونمک اسلامی، بازگرداند.

آن حضرت برای شیان دادن این ویزگی به عنوان الگوی عملی در جامعه نمود پیدا کرد تا بتوالد ضمن باز تعریف مقاومی اسلامی شیعیان سیاست را برای انجام کاری واحد اما مناسب با تکری شیعی است. در این تفکر تمامی ائمه(ع) برای انجام کاری واحد اما مناسب با ویزگی های عصری، اقدامهایی به ظاهر متفاوتی انجام می دهند و اقدامهای هر اهلی با در نظر گرفتن آن ویزگی ها و به عنوان حلقة انتقال امام قبل و بعد معنا می دهد.

در این جهت، بر نامه های امام سجاد(ع) رامی پایست حلقة انتقال قیام عاشورا و پیاپیش مکتب جعفری در عصر صادقین(ع) محسوب کرد. در اوضاع نایابمان اولین عصر اموی، مقارن با امامت حسین(ع)، هر نوع حرکتی از سوی خلافت به شدت سر کوب می شد و صرف عدم ییعت امام حسین(ع) با خلینه وقت، منجر به فجیع ترین واقعه تاریخ اسلام در مجرم مسال شفت و یک هجری شد. در حالی که در اواخر عصر اموی، مقارن با امامت صادقین(ع) نه تنها شیعیان به السعیام رسیدند

الف. مدیریت بحران و فرست سازی

حرکت امام حسین(ع) ادر روز دهم محرم سال شفت و یک هجری آغاز شد و می تردید در آن روز به پایان نرسید و برای ثبت در تاریخ و تداوم آن به دست خاندان عصمت و طهارت رهبری شد. ظاهر از هجری این جریان به دست حضرت زین(س) انجام شد؛ ولی به کوامی تاریخ خود آن حضرت نزیره اشاره و دستور امام عصوش، امام سجاد(ع)، کاروان اسراء را مدیریت می کرد (دعائی، ۱۳۸۰، ص ۷۱).

اگرچه امیلان، اهل بیت(ع) و مجتبان انان را اذیت و آزار می گردند و اجلاده بردن نام ایشان را نیز نمی دانند و از انتخاب نام علی بر فرزندان در حوزه حکومتی خود جلوگیری می کردند، با توجه به آیات و دوایانی که در تجلیل اهل بیت(ع) اند، بود سمعی می گردند از عنوان اهل بیت(ع) برای تحکیم مبانی خلافت خود سیر بود خلطای اموی دعشق خود را مصادف اهل بیت(ع) معرفی می کردند. بدخشی زنان پیامبر(ص) از جمله عابشه در مکه، برای تحریک خلافت این زیارت پیامبر(ص) معرفی می کرد. از آنجاه که هیچ کدام از همان را پیامبر(ص) افزونی ندانستند، اهل بیت بودنشان مستقی بود.

ایله ها و راهبردهای امام سجاد(ع) در فرهنگ سازی عاشورا

امامت به عنوان سلسله متصل و منسجم رهبری جامعه اسلامی، مهم ترین درکی تفکر شیعی است، در این تفکر تمامی ائمه(ع) برای انجام کاری واحد اما مناسب با ویزگی های عصری، اقدامهایی به ظاهر متفاوتی انجام می دهند و اقدامهای هر اهلی با در نظر گرفتن آن ویزگی ها و به عنوان حلقة انتقال امام قبل و بعد معنا می دهد.

در این جهت، بر نامه های امام سجاد(ع) رامی پایست حلقة انتقال قیام عاشورا و پیاپیش مکتب جعفری در عصر صادقین(ع) محسوب کرد. در اوضاع نایابمان اولین عصر اموی، مقارن با امامت حسین(ع)، هر نوع حرکتی از سوی خلافت به شدت سر کوب می شد و صرف عدم ییعت امام حسین(ع) با خلینه وقت، منجر به فجیع ترین واقعه تاریخ اسلام در مجرم مسال شفت و یک هجری شد. در حالی که مجالس درس و بحث آن دو بزرگوار به صورت مثال زدنی و می بدیلی، مورد استقبال قرار گرفت.

امام سجاد(ع) زمانی رهبری جامعه را به دست گرفت که اصول اساسی اسلام منحرف شده بود و جامعه از لحاظ اسلامی و اسلامی سیر قهرا می داشت آن امام(ع) کارش را از صفر آغاز کرد و به مفهوم سازی پرداخت. مفهوم سازی به

به افتخاری مظالم دستگاه اموی پرداخت، این مراسم با حضور بخشی از همسران و اصحاب پیامبر (ص) به مدت پانزده روز به طور رسمی برگزار شد (عائی، ۱۳۸۰، ۱۳۹۲)، البته زنان بنتی هاشم به طور مستقر به مدت پنج سال، تا زمان قتل عبیدالله بن زاید به دست مختار، به عزاداری پرداختند (قمعی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵) و خود

حضرت نبی تا پایان عمر به ذکر مصالب کریلا پرداختند.
اقدام‌های هوشمندانه امام (ع) در مدنیه باعث بیداری مردم شد و آنان پس از مدتی از بیعت باز پذیره امتناع کردند و در واقعه حزره در سال شصت و سه هجری با سپاهیان پذیره درگیر شدند.

امام سجاد (ع) با سخنرانی های متعدد و بیانی مجالس عزاداری در شهرهای مختلف، موجب پاسداشت قیام عاشورا شدند و تلاش کردند از دریچه عاشورا مژده امتحانه اهل بیت (ع) نمایند و مزبلت از دست رفته شان را برگردانند.

در قصر ایل زیاد، قیام امام حسین (ع) را حركتی الهی و شهادت طلبانه معرفی کردند و صراحتاً به نکوهش پیمان شکنی کوفیان و مظالم سپاه این زیاد پرداختند؛ به تصریح کی باعث بیداری مردم کوچه و ایجاد قیام‌های توپیان و مختار شد. که هر دو برای جهان غلام هر راهی امام حسین (ع) او گرفتند انتقام از حضرت از دستگاه اموی به وقوع نیویست. همین شیوه را در شام، مرکز حکومت اموی دنبال کرد و موقوف ایشان همچنین بالغ خوار امیر خوانند آن قیام، حس شهادت طلبی و ظلم ستری و عزم‌نده مردم را لذتگیریست. به نحوی که در تمام شهرهای آن روز جهان اسلام حتی در شام، مرکز خلافت اموی، قیام‌های ضد اموی برویا شود.

ب. مفهوم سازی اصول اسلام در چنین اوضاع و احوالی، بجز تردید مهم ترین وظيفة امام سجاد (ع) برای ترویج فرهنگ عاشورایی، باز تعريف مسئلة امامت و تبیین و تثبیت جایگاه خود به عنوان امام بود تا بتواند ضمن حفظ و تحکیم پایه‌های تشیع، جامعه اسلامی را نیز از لحاظها آگاه کند. در این مسیر امام (ع) با ایهام زدایی از مقاومیتی چون تو جهاد و نیوت، امامت را حیزه لاپیک نیویت مطرح نمودند. ایشان ضمن تعریف اصل امامت، سایران ویژگی های امامت، خود را به عنوان مصدق بازار امامت معروفی کردند و اسپهایها و مشکل های این حوزه را بیان کردند.

توجیه

خداشناسی و توجیه از مسائلی مهم است که حضرت محمد (ص) از ابتدای

زمانی که خیام حسینی را سوزانند و امام سجاد (ع) دستور به ترک خواجه ها و فرار دادند (همان، ص ۷۵) تا زمانی که پس از پنج سال بعد از مرگ عبیدالله بن زاید در کوفه، امام (ع) به زنان بنتی هاشم دستور ترک عزاداری دادند (قمعی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۵) دوره ای است که امام سجاد (ع) تلاش کردند به شکلی اوضاع را مدیریت کنند تا ضمن حفظ جان اهل بیت (ع) به افتخاری نظام فاطمی اموی پردازند و با این مصائب عاشورا، حسین تقابی با ظالم اموی را بین مردم بگسترانند.
امام سجاد (ع) پا دو سخنرانی در شهر کوفه، یکی در میان ایوه مردم و دیگری در قصر ایل زیاد، قیام امام حسین (ع) را حركتی الهی و شهادت طلبانه معرفی کردند و صراحتاً به نکوهش پیمان شکنی کوفیان و مظالم سپاه این زیاد پرداختند؛ به تصریح کی باعث بیداری مردم کوچه و ایجاد قیام‌های توپیان و مختار شد. که هر دو برای جهان غلام هر راهی امام حسین (ع) او گرفتند انتقام از حضرت از دستگاه اموی به وقوع نیویست. همین شیوه را در شام، مرکز حکومت اموی دنبال کرد و موقوف ایشان افتخاری مظالم بنتی امیه و بیداری مردم شام، اوضاع اجتماعی را به نفع اهل شد ضمن اتفاق اکامی مردم نسبت به فجاجع بزید و معرفی حقایق اهل بیت (ع) تغییر دهند. در واقع آکامی مردم نسبت به فجاجع بزید و معرفی حقایق اهل بیت (ع) را مفهم ترین برname برای حفظ جان و حرمت اهل بیت (ع) می دانستند.
کاروان اسراء در حالی وارد شام شد که شهر را آذین بسته و چراغانی کرده بودند و مردم دف زنان و پاکویان به استقبال رفته آنان آمهده بودند (قمعی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۲۶) اما سخنرانی های متعدد امام (ع) درین ایوه مردم شام و در جمع خواهی مجلس بزید، چنان تأثیری کا شافت که عده ای از مردم در پایان همان مجلس از نیمار کارادن پشت سر بزید امتناع کردند (عائی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۴). فشار افکار عمومی، بزید راجعی به تغییر رویه کرد و حالی که مصدق حضرت را داشت، ضمن احرازم شبانه روز و به طور رسمی در شام برگزار شد تا جایی که بزید برای کشتل اوضاع محصور شد امام (ع) را با عزت و احترام روانه مدنیه کرد (قمعی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۲۶) به اسراء، اجازه برپایی مراسم عزاداری برای شهدا کی کریلا را داد و این مراسم هفت شبانه را به هنگام ورود کاروان حسینی به مدینه، کمالاً هوشمندانه عمل کرد و با سخنرانی های متعدد و بیانی مجالس عزادار کنار قبر حضرت رسول (ص)

الامام سجاد(ع) اغلب در اوایل دعاها و گاه در اواسط و گاه در پایان دعاها، از توجید و خداستانسی سخن به میان می آوردند. اینا در ابتدای دعای سی و دیکم صحیفه سجادیه، با ذکر پنج لواز در توجید، دعای توبه را آغاز می کنند. المهم یامن لا یصفه نعمت الواسطیین و یامن لا بجازوه رجاء الراجحین و یامن لا پیغی لدیه اجر الحسین و یامن هو خوب العبدین و یامن هو غایه خوبیه المتفقین» (ایشان ۳۱-۵).

اباراله، ای کسی که وصف وصف کنندگان (الجہان که هست) توصیف نمی کنند. وای کسی که امیلواران ازو فراتر نمی رود، وای کسی که اجر نیکوکاران، نزدی خاصیت شود وای کسی که او نعلمه پایان ترس عبادت کنندگان است. و ای کسی که او نهایت خوبیت پوهرگاران است».

بی تردید در یک جامعه بحران زده سرگردان، نخستین مستله و مهم ترین نیاز اسلام بازگشت و توجه به خدا است. با توجه به انحرافها و مشکل هایی که در زمینه خداشناسی برای مردم عصر امام سجاد(ع) به وجود آمده بود و دقت و کنجدگاری مردم برای معرفت خداوند، امام(ع) بهترین وجه ممکن خداوند معual را ز جنبه های مختلف مد نظر قرار دادند، به ویژه در خروج است دری از کفر و الحاد نسبت به خداوند، بی متشدی خداوند در صفات و ذات (ایشان ۳۱ بند ۱، نیاشن ۳۲ بند های مختلف معرفی کرند. یا این مضمون که او یکتا و می هست، مثل و ملائکه خود را بدن بر ایکتین حساسیت دستگاه اموی آغاز کردند. در واقع ایشان اموریں احکام و اصول اصلی اسلامی را از صفر شروع کرند و خداوند را ز جنبه نسلار، صاحب قدرتی نامحدود و قیاس ناپذیر است (ایشان ۹ بند ۶ نیاشن ۷ بند ۷)، به طوریکه هیچ کس قادر به توصیف و درک اونمی باشد. علاوه بر این ها، او اخرين پنهانگاه نیازمندان و گناهکاران است (ایشان ۳۳ بند ۱۱، نیاشن ۵۰ بند ۴، نیاشن ۱۴ بند ۱، نیاشن ۳۱ بند ۱۱ او ۱۸، نیاشن ۳۲ بند ۱۱، نیاشن ۵۰ بند ۴، نیاشن ۳۲ بند ۱) که خواسته های بندگان مخلصش را اجابت می کنند (ایشان ۱۰ بند ۱۱).

نویوت

ایام سجاد(ع) در مقابل این انحرافاتی ریشه ای به طور قاطعه ریثار گردند و در ادعیه خوش از زوایای گوآگون به توضیح توصیف و تبیین توجید و خداوند پرداختند تا در مقابل فرهنگ سازی عثمانیان، فرهنگ رشته دار اهل بیت(ع) را چون سد آهنی برقرار و گمکنگان و سرخوردگان جامعه آن روز را با عنق معارف و حیاتی آشنا سازد.

رسالت خود به آن توجه کردند و مردم را به سوی آن رعنمون می کردند. با گذشت زمان و فاصله گرفتن از عصر یا میر(ص) و سادگی خاص آن دوران، به تدریج توجه به توجید، از حالت خالص و سلاده خود خارج شد. با رواج قساد و الترافله در جامعه عصر امروی و رشد عقاید و افکار جدید در تبعیجه گسترش فتوحات، شبهات و سوالهای در زمینه خداشناسی و توجید مطرح شد.

بی تردید، اساس دوگر گونی ها، انحرافها و فساد رایج جامعه آن روز، ظاهر گرفت از تعالیم الهی و در رأس آن خداشناسی و توجید بود. با وجود عالمان درباری دین اطبل، عقایده به تبیسم و تشبیه رواج پاشته بود. این گروه ها، در توجید قالب به تبیسم بود. خداوند را به مخلوقات تشبیه می کردند. از سوی دیگر، موجنه که از تملوی خوارج به وجود آمده بود، به طور افراطی، امیلوار به رحمت الهی بودند و قضاوات دریاره اعمال افراد را به خدا و اکلار کردند و خود را در مقام داوری نمی دیدند (قادری، ۱۳۷۸، ص ۶۵).

از این رو امام سجاد(ع) برای مقابله با عقاید این گروهها، فعالیتهای فرهنگی خود را بدن بر ایکتین حساسیت دستگاه اموی آغاز کردند. در واقع ایشان اموریں احکام و اصول اصلی اسلامی را از صفر شروع کرند و خداوند را ز جنبه های مختلف معرفی کرند. یا این مضمون که او یکتا و می هست، مثل و ملائکه نسلار، صاحب قدرتی نامحدود و قیاس ناپذیر است (ایشان ۹ بند ۶ نیاشن ۷ بند ۷)، به طوریکه هیچ کس قادر به توصیف و درک اونمی باشد. علاوه بر این ها، بیان نیازمندان و گناهکاران است (ایشان ۳۳ بند ۱۱، نیاشن ۳۲ بند ۱۱، نیاشن ۵۰ بند ۴، نیاشن ۳۲ بند ۱) که خواسته های بندگان مخلصش را اجابت می کنند (ایشان ۱۰ بند ۱۱).

خالدان پیامبر (ص)، آن هم قبیل از هر درخواست و حاجت خواهی از درگاه خدای در بردازندۀ پیامی سیاسی -حقنادی است. درستی این اعتقاد آن که آشکارتر خواهد شد که عصر تاریک حاکمیت امیریان و اقدام‌های ضد علوی آنان در جهت مسحو تنشی مورود بوجه قرار گیرد. در عصری که روزیان مغرض و ایسته به دربار، کوامت‌هایی دروغین برای حکمان ناصالح می‌توانند و در خاموش ساختن نام و نیاز خاندان پیامبر (ص) و علی (ع) تلاشی یکی‌گارند، مطرح ساختن نام ائمه به عنوان ادکاری مقدس که در استجابت دعاها نتش دارد و موجب جلب رحمت و غفران و فضل الهمی شود، حرکی صرفاً عبادی نیست بلکه عبادت سراسر سیاست و ملاباتی است سراسر پیام و قیام.

نمی شناختند، امام سجاد (ع) در دعاهای خوش در صحیحه سجادیه بارها به این مسئله اشاره کرده است و با استناده از تعلیری چون صلوات، نبی و رسالت رسول (ص) به توصیح و تبیین رسالت پیامبر (ص) می پردازد.

ذکر صلوات و درود بر پیامبر (ص) و خاندانش از جمله اصطلاحاتی است که در صحیحه بیان شده است و حدود ۱۷۵ بار و تقریباً در تمام نیاش ها تکرار شده است^۱; که می تواند نشان دهنده توجه و تأکید حضرت به این مسئله باشد. از جمله موارد استناده این اصطلاح زمانی بوده است که حضرت در خواست و نیازی داشته و در واقع قبل از دعا دکر شده است؛ مثلاً در نیاش پنجم، می فرمایند: «يا من لا تنفخ عظمه، صل على محمد واله، واحجينا عن الالحاد في عظتك»، که در ضمن صلوات طلب درک عظمت نعمده و با توجه به این تکرار می توان صلوات را به عنوان یکی از اسباب استجابت دعا دادست (نیاش ۵ / پندهای ۱۵۱)

این درودها قل از مطری ساختن هر آرزو و استدعا از درگاه خدا، تحلیل ها و تفسیرهای متعدد را می تواند به ذیل داشته باشد. ما بیلون اینکه سایر تحلیل ها را انکار کنیم بر این باریم که تکرار صلواتها و اصرار امام (ع) بر مطری ساختن نام

از امام سجاد(ع) با یاد اینکه پیغمبر (ص) در جهت رسالت خویش سختی هایی پیشوار را تحمل نمود (پیاش ۱۳-۲ بعلهای) وی را به عنوان الگوی رفتار دینی عرفی می کنند و نیز با توصیف پیغمبر (ص) ویان نکات اخلاقی وی مثل امین بودند، خیرخواه و اندزگوی مردم بودند، به عنوان برگریمه، پیروی از سنت وی را آزاده می نماید (پیاش ۱۶ بعلهای ۱۷، پیاش ۲۱، پیاش ۲۲ بعلهای ۱۹، پیاش ۲۰، پیاش ۲۱ بعلهای ۱۷).

تبیین مسئله نبوت و جایگاه آن به عنوان یکی از اصول و مبانی اعتقادی دین اسلام در جامعه رو به اتحاط عصر اموی از مسائلی مهم است که امام سجاد(ع) به عنوان چهره‌ی امام شیعه و نیز در ادامه نقش فرمگ ساری و مدایگری خوش باره‌دار صحیغه سجادیه به آن اشاره کرده است.

که رهبر دینی منصوب شده از طرف خدا، همینگی است و هیچ زمانی بندگان خدا را بجزوه چنین رهبری محروم نخواهند بود، رهبری که خداوند او را شناسه راه خود فراز داده و رشته و جواد او را به خود گره زده و او را وسیله ای برای رسیدن به رضوان الهی فراز داده است»؛ و بیروی از لورا و اجبگ گردانید و مردم را از تاریخ ملی او بحران داشته است. «اللهم إلك أيدت دينك في كل لوان يمام فقضت علماً للعبادك، و مشارق آفی بلادک، بعد أن وصلت جبله بجبلک، و جعلته الدرعية إلى رضوا لک، و الترفسَّ طاغعه، و حذرَت معصيَّه، وأمرت بامتثال أوامرها» (بیانیش ۱۴۷، پند ۱۶۱). به دنبال آن امام سجاد (ع) تأکید می کند که ظلمه تداوم امامت و لزوم اطاعت مردم از ایشان به این علت است که امام واسطه میان بندگان و خداوند است تا به این وسیله ای و دید امام سجاد (ع) در حسنه ترین دوره تاریخی، ساخت ترین دوره الماس را بر عهده داشت و می باشد بروای احبابی اسلام راستین کارش را از صفر اغفار کند (عملی، ۱۴۱۶، ح، ۱، ص ۲۷) تا هم الدیشة شیعی را از جلب شدن در ملعن حکم (نسن) حفظ کند هم آن را از دیگر فرقه های انحرافی شیعه چون زیدیه و کیسانیه و غلات مشایر و مشخص سازد.

در همین جهت امام سجاد (ع) صریحاً بیان می کند که خداوند علم در وای نجحت عنوان «علم ریانی» به امامان (ع) بخشه است (بیانیش ۱، پند ۱۱) و به واسطه همین علم، ایشان را بر سایر مردم برتر داده است؛ چرا که سایر مردم از دست یافتن علمی، ایشان را نتوانند (اللهم إنك أنزلك على نبيك محمد صلى الله عليه وآله مجعلنا، والهمة علم عجلبه مکتملاً، و درستنا علمه مقتضاً، و نذرتنا على من جهل علمه، و قریتنا عليه ليرقنا فرقی من لم يُطْلِقْ حمله» (بیانیش ۱۴۳، پند ۵۵)، امام (ع) درین گفتگی این علم از تعبیری چون «علمًا للعباد و مدارفًا بلادک» (بیانیش ۱۴۷، پند ۱۰) و «علمائهم خرزه علمک» (بیانیش ۱۴۷، پند ۵۷) استفاده می کند.

ایشان برای روزه الکار انحرافی خلافات با استفاده از عبارت «ورثتنا» تأکید می کند این علم که از یلیمیر (ص) به آنها به ارت رسیده و شامل معارف قرآنی و تفسیر پیامبر (ص) است اکون از ایشان رووده (بیانیش ۱۴۸، پند ۹۹). در نهایت امام سجاد (ع) برای متعابیر ساختن خط امامت شیعی و خلافت خاصیت اموری بر تمامی کسانی را که از آن غامبان حمایت و تبعیت می کنند پا نسبت به اعمال ظالمانه آنان واکنشی شناسان نمی دهد لعنت می فرمد (بیانیش ۱۴۸، پند ۱۰).

ایام سجاد (ع) امامت را به معنای رهبری و چانشی خادار زمعن، برای حفاظات از دین من دارد و به عبارت بهتر، امامان (ع) را حجت خسدا در زمین معرفی می کند (بیانیش ۱۴۷، پند ۵۷)، درین ویژگی های امامت به اصل عصمت نیز برداخته است و با امام سجاد (ع) دریان ویژگی های امامت به اصل عصمت نیز برداخته است و با

امانت

خلافت بین امیه با فراز و نشیب های زیاد آغاز شد. صلح امام حسن (ع) و انتقال خلافت به معاویه و به دنبال آن وقعه فوجیع عاشورا و سورکی اهل بیت (ع) نشان دهنده سخت و سوی خلافت بین امیه بود. خلافت موثری و سلطنتی بین امیه به هیچ کدام از ارزش های مادی و معنوی اسلام واقعی نمی کنایست. افزون برسکوی اهل بیت (ع) او شیعیان سرکوبی شورش ملیه معروف به وقوعه حرب، به آتش کشیدن خانه خداوندی و تحمل گرامی و دنیا طلبی سران بنی امیه از بارزترین جلوه های ابتلای آن دوره است.

ایران به این علت است که امام واسطه میان بندگان و خداوند است تا به این وسیله ای و دید امام سجاد (ع) در حسنه ترین دوره تاریخی، ساخت ترین دوره الماس را بر عهده داشت و می باشد بروای احبابی اسلام راستین کارش را از صفر اغفار کند (عملی، ۱۴۱۶، ح، ۱، ص ۲۷) تا هم الدیشة شیعی را از جلب شدن در ملعن حکم (نسن) حفظ کند هم آن را از دیگر فرقه های انحرافی شیعه چون زیدیه و کیسانیه و غلات مشایر و مشخص سازد.

ایام سجاد (ع) در چنین وضعیت دشوار سیاسی - عقیدتی، بازیان دهابه بازخواهی و بساز تعریف اهل بیت (ع) و امامت به عنوان منصب الهی و ادامه دهنده رسالت نبوی (بیانیش ۱۴۷، پند ۱۶) پرداختند. ایشان در ضمن بیان ویژگی های امامت، تأکید می کند که امام دارای علم ریانی (بیانیش ۱، پند ۱۱) و معمصوم از خططا و اشتباه است (بیانیش ۱۴۷، پند ۱۷) و به همین علت مفترض الطاعه است (بیانیش ۱۴۷، پند ۱۶). در ادامه امام سجاد (ع) تصریح می کنند، مقام رهبری دینی را که تنها سزاوار اهل بیت پیامبر (ص) است اکون از ایشان رووده (بیانیش ۱۴۸، پند ۹۹). در نهایت امام سجاد (ع) برای متعابیر ساختن خط امامت شیعی و خلافت خاصیت اموری بر تمامی کسانی را که از آن غامبان حمایت و تبعیت می کنند پا نسبت به اعمال ظالمانه آنان واکنشی شناسان نمی دهد لعنت می فرمد (بیانیش ۱۴۸، پند ۱۰).

تعابیری چون و آله الطاهرين الاخبار الانجيزين، (بیانش ۱۹، بند ۳۳) «أهل بيته الطاهرين»، (بیانش ۲۶، بند ۱) «أهل بيته الطاهرین الطاهرین»، (بیانش ۷۸، بند ۴) «خرقه الصغوره من بریتک الطاهرين»، (بیانش ۱۴۳، بند ۱) و در بت محل على اطلاع اهل الودکی پاک گردانیده داری های آن حضرت (ع)، مکرر در متنی آمده است تا یوون ایشان از پلیدی و نیایک و گنکه، ییان می کند که خداوند ایشان را از رجن و وجوده اهل بیت (ع) حججت را بریند کاشن به نامه امیر انور روم به ایشان متول سرآمد بودند. عبدالعالک بن مروان در پاسخ به نامه امیر انور روم به ایشان متول می شود (توابی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۵) مواجهه هوشمندانه آن حضرت (ع) با قیام های توپیان و مختار در کوفه و قیام حرمه در مدینه، نشانه تسلط ایشان بر مسائل سیاسی امام سجاد (ع) در آن اوضاع بحرانی به طور صریح سخن از غصب امانت و روز است.

امام سجاد (ع) از دوره ای که به علت کتر فقها به «سنه الفقهاء» مشهور است ملطف به اسید الفقهاء، (بند این جزوی، ۱۴۱، ص ۲۹۹) آن حضرت نه تنها مرجح شیعیان بلکه مرجح فقهای عame نیز بودند.

امام سجاد (ع) برای نشر افکارشان در جامعه اسلامی و بستر سازی نهضت علمی شیعه، به تعلیم شاگردان خاص توجه و زیره ای کردند. رجال شیخ طوسی صدور هفتاد و دو نفر از اصحاب امام سجاد (ع) رامعرفی می کند (تاریخ، ۱۳۹۳، ص ۲۰۴). این مقام از عترت رسول الله (ص) که شایسته آن مقام می باشدند، به تاریخ رفته است. والهم ان هذا المقام لخلافتك و اصفيالك و مواضع امثالك في الدرجه الرفيعه التي اختصنتهم بها قد ابتزوهوا، (بیانش ۴۸، بند ۱) «خدایا این مقام که ورثه و شایسته جلستان تو و برگردگان تو می باشد و جایگاه افراد امین است که از برترین درجه برخوردار می باشدند و معلمی است که تها عترت را شایسته آن می دانی، از عترت ۲۰۰ که هر کدام در حوزه های مختلف معارف اسلامی سر آمد بودند.

برخی از ایشان چون، جابر بن عبد الله انصاری، و قلمکان کمالی، سعید بن مسیب، سعید بن جره شده است» ایگاه در پایان دعا بر تمام دشمنان عترت و تمام مظاهر سشم و اموران و انصار ستمگران بر حقوق عترت، از نخستین افراد وادی سشم تا آخرین آنان رامورده نفرین فرار می دهد و نیز آنان را که از راه مستکران پیروی نمودند پا چشم عملکرد آنان را پسندیده اند نفرین می کنند «اللهم الععن اعدائهم من الاولین والآخرین ومن راضی بالعدهم و اشیاعهم و اباهم» (بیانش ۳۸، بند ۱).

امام سجاد (ع) به طور شفاف امامت و رهبری را حق اهل بیت (ع) می داند و برای دفاع از حقوق از دست رفته اش در موقع مناسب دست به افتخاری می زند.

عبدالله برقی، فضائل بت فیض و نظریه آنها در زمرة شاگردان امامان بعدی بودند. تنویر و کوت شاگردان آن حضرت نشانه توجه ایشان به ترتیت شاگردان و مقویت علم امام در آن دوره است. در واقع اطمین (ع) با تشکیل حلقه های تدریس به نشر افکار اصلی اسلامی و کشورش فومنگ عالیورانی برداختند و مقدمات تأسیس مکتب جعفری را بنا نهادند.

الصلار خودش را فسدا کرده که فرد پاید فدای جامعه پاید اصلاح شود دلیقونم الناس بالقططه، (امام خمینی ره ۱۳۶۱، ص ۱۴۹) حضرت امام (ره) با تسلیک عاشورائی صراحتاً بیان می کنند: «حجهت ما بر این سازه ای که بین مسلمین و این دستگاه فاسد است، حجهت ما در جواز و لزوم این عمل... عمل سید الشهداء (ع) است»، جمعه‌گان بر این است که اگر چنانچه این مجازه را اذمه به عیم و صد هزار نفر از ماکثته بشود برأی رفع ظلم، اینها و برای اینکه دست آنها را از این مملکت اسلامی کوته کنیم، از این دارد حجهت امور (ع) و سید الشهداء (ع) است» (امام خمینی ره، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۸).

در وضعيت کوئی نیرو، برای تداوم انقلاب اسلامی که چونی از فرهنگ عاسروانی و اسلامی است، باید معین سے عضور را مدنظر قرار دهیم: ۱. عزت اسلامی را باید اصلی خود فرار دهیم، از رایستگی به مظلوم و قدرت‌هایی فاسد کارکرده‌ای متفاوت داشته است و انقلاب اسلامی نیز به تعییر حضرت امام (ره) پیروی از عاسروار و انقلاب عظیم الهی است» (امام خمینی ره ۱۳۶۱، ج ۱۸، ص ۱۲). عضور اصلی و سازنده فرهنگ عاشورائی تووجه کنیم، ۲. اقلیت خلاقه و نظریه پردازان باید با ظرافت و اگاهی این فرهنگ را متصدی بگیریم، ۳. اقلیت روز مردم نیزین و تووجه کنند، ۴. بر اثر دو عامل فرق، مردم انسنار این فرهنگ را ضروری می‌دانند و لوازم آن را مدنظر قرار خواهند داد و نا رفتن روی جهه عزت مندی و ایثار و عدالت خواهی در جامعه جاری و ساری پاشند، فرهنگ عاشورائی و اسلامی ماله‌گار و پویاست.

تعییج

نهیم ترین رکن هر جامعه خواص و به تعییری گروه پایدار انسانی اند که باید متناسب با وضع مختلف زمانی و مکانی و فرجوهر نیازهای پیش آمده به شکل ایله های اصلی فرهنگ جامعه و انتخراج بازخوانی بازنزیری، تغییر و توجیه نهایند و مردم را با ازالة تصوری نواز همان ایده اصلی در مسیر اصلاح فرار دهند. شکی نیست که فرهنگ عاشورائی از دیرباز تا کنون پویایی دارد به تردید این پویایی حاصل کار گرددی است که از آغاز تاکنون آن را به عنوان ایده ای کارکرده در این میان امام سجاد (ع) جایگاه و نقش وزیره ای دارد. چه آن حضرت اولین

انقلاب اسلامی ایوان جلوه ای از فرهنگ عاشورائی

در مبحث نقش خواص در فرهنگ سازی بیان شد که قوه محرك انقلاب سازی، خواص‌آند که در هو و هو ای باتوجه به اوضاع و امکانات موجود با مرتبه به بسته اولیه فرهنگ، آن را بازخوانی و باز تعریف مسی کنند و چار جویباری اخلاقی، فلسفی، دینی و اجتماعی را برای مردم تبیین می کنند.

قیام عاشورا جلوه ای از فرهنگ اسلامی منکی بر عزت اسلامی و در جهت اصلاح جامعه فاسد اموی بود این قیام بازوجه به اوضاع هر عصری در بین مردم کارکرده‌ای متفاوت داشته است و انقلاب اسلامی نیز به تعییر حضرت امام (ره)

انقلاب اسلامی ایوان شاهدت‌هایی بسیاری به قیام امام حسین (ع) طارد. اگر به است عضور اصلی و سازنده فرهنگ عاشورائی تووجه کنیم، ۱. ایده اصلی قیام یعنی عزت اسلامی؛ ۲. تبیین و تداوم آن به دست ائمه معصومان (ع) و پیروانشان؛ ۳. بازگویی آن برای مردم متناسب بازی‌های آنان به نحوی که مردم آن ایله را راه حلی برای پویاند، رفت از مشکلات پیش رو تلقی کنند؛ متوجه خواهیم شد که حضرت امام (ره) در تعیش خواص فرهنگ عاشورائی تلاش کرده متناسب بازی‌های جامعه امروز برای مقابله با استبداد و استعمار به بازخوانی و باز تعریف ایده عزت اسلامی بپارند و آن را به کوئه ای به مردم ارائه نمایند که مردم به یقین آن را تباها راه حل اصلاح جامعه خود محسوب کنند.

حضرت امام (ره) با تشریح قیام عاشورا تلاش کرده آن را به عنوان نمونه و جعیی در تاریخ برای مجازه با حکومت‌های فاسد معرفی کنند به تعییر ایشان مصیط الشهداء هم کنند شدند ایکه رفتند یک ثواب ایشان برابر برای او خجلی مطری نبود آن طور رفت که این مکتب را نجاتش بدلند، اسلام را پیش‌رفت بدهد و اسلام را زنده کنند (امام خمینی ره ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۷۱)، ایشان در جای دیگری می‌فرمایند « تمام ایهه برای اصلاح جامعه امده اند، همه آنها این مسئله را داشتند که فرد پاید

قدای جامعه بشود سید الشهداء روی همین میزان آمد و رفت و خودش و اصحابش به مردم ارائه کردند.

كتاباته

ابن الحميد (١٣٧٨) شرح نوح البلاعه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم قدمار احیاء الکتب العربیة، الطبعه الثانيه.

ابن قییر (١٣٩٦) مسند الفتاوی فی معرفه الصحاۃ، تحقیق ابراهیم البادو دیگران بیروت: دار المعرفی.

ابن جوزی (١٤١٨) تذکره الفتاوی، قم: ناشر الشریف الوضی.

ابن حجر عسقلانی (١٤١٥) نہیب التهذیب، دار الفکر.

ابو الفرج اصفهانی (١٤٥٦) الاطفان، بیروت: دار الفکار.

ابن طه (١٤٢١) کشف الغمہ، علی علیه حاتم سید عاشم رسولی، تبریز: مکتب ایلی، علی بن عیسیٰ (١٤٢٨) کشف الغمہ، علی علیه حاتم سید عاشم رسولی، تبریز: مکتب ایلی واقیعیت شدہ بو دیراکی مردم تفسیر و تبیین نمائیدن. تاریخ تحویلات ذکری جامعہ امیہ تحریف شدہ بو دیراکی مردم تفسیر و تبیین نمائیدن.

اسلامی و پیدائش روایتی علمی، فکری و منصوصاً پیدائش مکتب جعفری، حاکی از موقفیت امام سجاد (ع) در این عرصه ایست، ایشان همچنین تو استند شان و مقام اهل

بیت (ع) را درینین مردم بگشتراند تا جانی که تمام مخالفان بین امیہ برای استفاده از نیروی مردم شعار «الراضا من آل محمد» سری داشند. تمامی تلاش های آن حضرت

ترغیب جامعه به فهم دین اسلام از دریجہ فوہیک عالیزار او مقتنم شمردن فوصل است در آن برهه زمانی در اختیار ایشان فوارگ رکونه بود.

مهبلہ اشکان

اسلام خسین (١٣٦١) صعیده نور تبه و جمع اوری مداری فوہیک لعلاب اسلام.

دورات ارشاد اسلامی

ترانی احمد (١٣٧٣) امام سجاد (ع) جمال پیاش گواه مشهد: بنیاد پژوهشی استان قزوین

رضوی

جمعری حسین محمد (١٣٧٧)، تشییع در سیر تاریخ ترمیم محمد بن ابیالله: تهران:

نشر فوہیک اسلامی، چاپ هشتاد

دعا علی محمد محیین (١٣٨٠)، اسموه کامل تهران اطلاعات

راغب اسنهانی مفردات الفاظ القرآن تحقیق ندیم مرتضی، طریکات العرب

سهیل، عبد الرحمن، الروض الانف، تحقیق عبد الرحمن الوکیل، دارالکتب الحديث: تهران

ان نا

سرسطی (١٤١١) تاریخ العلما، تحقیق محمد محی الدین عبدالحعید، قم: مطبعه امیر، الطیب

شورشی نورالله بن شریف الدین (١٣٦١) محقق العقیل، مصحح حسن الجامی: تهران

اول

صدرى، أحمد (١٣٨٠). مفهموٰ تعدد وزرائم احتساب ثواب المحسن
مركز فنكتوكى نمنها.

طبرى، محمد بن جعفر (١٣٨٣). دلائل الامامة. المطبعة الجليلية، الف جا
العربي، بيروت إلى تا

طبرى، محمد بن جعفر (١٣٨٣). دلائل الامامة. المطبعة الجليلية، الف جا
على، جعفر مرتضى (١٤١٦). دراسات وبحوث في التاريخ والاسلام. تبرودت موكر جواه
علي بن حسنين (١٣٨١). صحيفه سجاديه. ترجمة اسدالله مشترى، تهران فی
فادي، حاتم (١٣٧٨). الدينه هاي سپاس دو اسلام و اسلام، تهران، سمت
قسي، شيخ عباس (١٣٧٩). مستحب الاعمال، تهران: کتابخوشی الاسلامي
قهقهي، سید الرمان (١٣٧٩). لمایاض العابدين، به کوشش حسین درگاهي، تهران: دوارات فومنک
دارالشاد الاسلامي.

کشی، محمد بن عمر (١٤٠٤). اختبار صفات الرجال (جال کشی) موسسه آل پیت، ایل جا

مالیونسکی، برزنیسلار (١٣٨٥). نظریه ای درباره فومنک ترجمه عبدالحصین زرین قائم تهران کم

نو

ملرس چهاردهي، محمد على (١٣٧٩). شرح صحنه سجاديه، تهران توپخانه
مسعودی ابوالحسن (١٣٧٧). مجموع الذهب و معادن المجهور. تحقیق محمد محسن الدین عبد
الحید، مصر: مکتبه التجاریه الکیری، الطیبه الشافعی.
مسعودی ابوالحسن (١٣٢٩). السیه و الاشراف. ترجمة ابو القاسم یاسینه، تهران: بیکره فرجیه و
نشر کتاب.

نوبختی، حسن بن موسی (١٣١١). فرق الشیعه. ترجمة و تعییقات محمد جواد مشکنک تهران
علی و فومنکی، جاپ سرم.